

تبعات داخلی و بین‌المللی نظریه‌های مؤید و منتقد حقوق مالکیت صنعتی

دکتر محمود باقری^۱ و نجمه نصیری مقدم^۲

چکیده

حقوق مالکیت صنعتی یکی از شاخه‌های حقوق مالکیت فکری است که در سال‌های اخیر به موضوع مهم و بحث‌برانگیزی تبدیل شده و اندیشه‌مندان و حقوقدانان بسیاری در این زمینه به ارائه نظر پرداخته‌اند که برخی در تأیید این حقوق و برخی دیگر در جهت نقد این حقوق می‌باشد. نکته قابل اهمیت در همه این نظریه‌ها این است که جنبه اقتصادی حقوق مالکیت صنعتی مورد توجه قرار گرفته و بر پایه نتایج اقتصادی، این حقوق رد یا تأیید شده‌اند. بر مبنای این نظریه‌های مختلف و منافع متفاوت کشورها، عملکرد دولت‌ها در حیطه بین‌المللی در برخورد با این حقوق متفاوت بوده، ولی مشهود است که کشورهای توسعه یافته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه از قوانین حمایتی قوی‌تر و جامع‌تری برخوردار هستند و به این حقوق توجه خاصی می‌نمایند. کشور ایران، از جمله کشورهای در حال توسعه است که در سال‌های اخیر به اهمیت اقتصادی این حقوق پی برده و به انعقاد معاهدات دوجانبه و چندجانبه با کشورهای دیگر و همچنین به تجدید نظر در قوانین موجود و تدوین قوانین جدید پرداخته است. این تحقیق در پی آن است که در حد امکان مبانی فلسفی و اقتصادی این اقدامات را مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی:

حقوق مالکیت صنعتی، حقوق مالکیت فکری، حق اختراع، علامت تجاری،

اسرار تجاری، طرح صنعتی

طبقه‌بندی JEL: O34, O31, K33, K11

۱- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲- کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری از دانشگاه تهران

(۱) مقدمه

حقوق مالکیت صنعتی از موضوعات مهمی است که مورد توجه حقوقدانان و اقتصاددانان قرار گرفته و نظریه‌های بسیاری در جهت رد یا قبول آن ارائه نموده‌اند. نظریه‌های ارائه شده را می‌توان به دو دسته نظریه‌های مؤید و نظریه‌های منتقد تقسیم کرد. نظریه‌های مؤید؛ نظریاتی هستند که این حقوق را وسیله‌ای مناسب و درخور توجه برای تشویق به ابداع و اختراع معرفی می‌کنند. در مقابل، نظریه‌های منتقد این حقوق را مورد نقد قرار داده و آنها را رد می‌کنند و معتقدند وجود چنین حقوقی برای جامعه دربرگیرنده ضرر است. بر پایه این نظریه‌های مختلف، عملکرد کشورها در برخورد با این حقوق متفاوت است و هر کشوری بنا بر منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود رفتاری متفاوت از دیگر کشورها در این خصوص دارد؛ به طوری که می‌توان دید قوانین کشورهای توسعه یافته در خصوص حقوق مالکیت صنعتی بسیار قوی است و آنها حقوق دارندگان حقوق مالکیت صنعتی را به طور کامل و همه جانبه حمایت می‌کنند. در حالی که کشورهای در حال توسعه و فقیر دارای قوانین ضعیفی در این خصوص می‌باشند و چه بسا که دارندگان این حقوق در چنین کشورهایی با نقض حق خود مواجه می‌شوند. این امر بیانگر اختلافی بنیادین در خصوص تعیین حدود حوزه حقوق عمومی و خصوصی و به عبارت دیگر حدود و وسعت حقوق مالکیت صنعتی از نظر زمان و گستره می‌باشد. بدین ترتیب کشورهای در حال توسعه عموماً خواستار تحدید حوزه حقوق خصوصی و تملک اموال فکری توسط افراد هستند. در حالی که، کشورهای توسعه یافته به دنبال وسعت بخشیدن به حوزه حقوق خصوصی می‌باشند. بنابراین، با توجه به تعارض منافی که بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه وجود دارد؛ کنکاش در مبانی نظری مالکیت فکری می‌تواند منجر به اقتباس آن نظریه‌ای گردد که در مجموع منافع کشوری را که حقوق مالکیت فکری وضع می‌کند تأمین نماید. در هر حال، بررسی نظریه‌های مؤید و منتقد به معنای قبول و رد کلی آنها از سوی یک کشور نخواهد بود. امروزه بیش از آن که اصل حمایت از مالکیت فکری

محل بحث باشد، نظریات مؤید و منتقد در تعیین گستره حقوق مالکیت فکری نقش خواهند داشت. بدیهی است که کشورهای توسعه یافته در صحنه بین‌المللی با تکیه بر نظریه‌های مؤید تلاش بر گسترش حوزه حمایت از مالکیت‌های فکری داشته باشند و در مقابل، کشورهای در حال توسعه در توجیه منافع خود به نظریه‌های منتقد جهت محدود کردن این گستره تمسک می‌جویند. هدف اصلی این مقاله نیز ایجاد آگاهی در سطح ملی جهت بازشناسی مبنای نظری حقوق مالکیت‌های فکری و تعیین سطح حمایت متناسب با نیازهای اقتصاد ملی در تعاملات بین‌المللی می‌باشد. در این مقاله ابتدا نظریه‌های مؤید و منتقد فارغ از اعمال آنها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بررسی شده و در مرحله بعد سعی می‌گردد که آثار آنها در تعاملات بین‌المللی مخصوصاً از نظر اقتصادی مورد بررسی قرار گیرند.

۲) نظریه‌های مؤید

این نظریه‌ها در جهت تأیید حقوق مالکیت صنعتی است که بیشتر از جهت اقتصادی یعنی دربرگرفتن منفعت برای دارندگان این حقوق و جامعه هستند. در واقع، اندیشه‌مندانی که به تأیید این حقوق می‌پردازند معتقدند حقوق مالکیت صنعتی هم برای دارنده حقوق مالکیت صنعتی و هم برای جامعه در برگیرنده منافع اقتصادی است. به نظر این اندیشمندان حمایت از حقوق مالکیت صنعتی به‌طور خاص باعث افزایش ابداع و نوآوری می‌شود (Menell, 1999: 129). مثلاً آدام اسمیت معتقد است که در نظر گرفتن حقوق خاص برای دارندگان حقوق مالکیت صنعتی سبب ترویج اختراع و سرمایه‌گذاری‌های لازم در این زمینه می‌شود (منصوری، ۱۳۷۷: ۹۲). جرمی بنتام^۱ در این زمینه معتقد بود هنگامی که فردی به اختراعی دسترسی پیدا می‌کند، آن اختراع در دسترس همگان قرار می‌گیرد، در حالی که هیچ هزینه‌ای برای دست یافتن به آن صرف نکرده‌اند. این شیوه عادلانه‌ای نیست و باید تحت قانونی خاص، از مبدعان و مخترعان حمایت شود که به موجب چنین حمایتی انگیزه بیشتری برای ابداع و اختراع داشته‌باشند

1- Jeremy Bentham.

(Menell, Op.Cit.,: 133). رابرت سلو^۱ به موجب تحقیقات خود نشان داد که توسعه فناوری و توانایی‌های در حال افزایش بشر نه تنها به نفع فرد ایجادکننده است، بلکه سبب تأثیر مثبتی هم بر اقتصاد کشور می‌گذارد؛ به طوری که او نوعی ارزش اجتماعی برای اختراع قائل می‌شد. (Scherer, 2004: 613) به این صورت که اختراع سبب افزایش دانش و فناوری در جامعه شده و به پیشرفت اقتصادی و آموزشی جامعه کمک شایانی می‌کند. دنیسون^۲ تحقیقات سلو در خصوص تأثیر اختراع بر پیشرفت جامعه را ادامه داد و متوجه شد که در طول سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۸۲ تولیدات در کشور رشد سریعتی و بهتری داشته‌اند؛ زیرا در این سال‌ها میزان تحصیلات کارگران و کارفرمایان افزایش داشته و به این ترتیب بر میزان تولید تأثیرگذار بوده است (Ibid.,:614). در واقع، تحقیقات دنیسون بر ارزش اجتماعی اختراع صحنه می‌گذارند. کیتچ^۳ در نظر خود پیرامون حقوق مالکیت صنعتی بر ضرورت وجود قانونی خاص در این زمینه تأکید دارد و معتقد است پیشرفت در دانش و فناوری در سایه حمایت چنین قانونی بیشتر محقق می‌شود و مخترع بدون ترس از مورد تقلید قرار گرفتن اختراعش آن را فاش می‌کند و در دسترس همگان قرار می‌دهد (Kitch, 1977: 265-290). مرچیس^۴ و نیلسون^۵ معتقد بودند که قانون خاص برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی به صورت مسابقه عمل می‌کند که به موجب آن رقابت در ایجاد ابداع و اختراع برانگیخته می‌شود (Menel, Op.Cit.,: 147). گرادی^۶، الکساندر^۷ و کیتچ علاوه بر این که بر وجود قانون خاص در این زمینه تأکید می‌کردند، معتقد بودند باید به موجب این قانون از سرمایه‌گذاری‌های چندجانبه برای دستیابی به یک اختراع یکسان جلوگیری شود (Grady, 1992: 300-350). به این صورت که اولین مخترع اختراع خویش را در دسترس دیگران قرار می‌دهد و کسانی که به آن احتیاج دارند از آن استفاده می‌کنند، بدون این که مجبور باشند برای دستیابی به اختراع مورد نیاز خود مراحل طی

1 - Robert Solow.

2 - Denison.

3 - Kitch

4 - Merges

5 - Nelson

6 - Grady

7 - Alexander

شده توسط مخترع اول را خود نیز طی کنند.

از سال ۱۹۹۰ دانشمندانی که در این خصوص به تحقیق پرداخته و ارائه نظر می‌نموده‌اند، علاوه بر این که وجود قانون خاص را تأکید می‌کردند، در خصوص مدت حمایت نیز به ابراز عقیده پرداخته‌اند. در همه نظریه‌ها بر وجود مدت کوتاه حمایت در این حقوق تأکید شده است. گیلبرت^۱، شاپیرو^۲، کلمپر^۳ و گالینی^۴ در سال ۱۹۹۰، ادوناگو^۵، اسکاچمر^۶ و تیس^۷ در سال ۱۹۹۷ در نتیجه تحقیقات خود به این نتیجه پی برده و در نوشته‌ها و تحقیقات خود به آن اشاره کرده و مورد توجه قرار می‌دادند (Menell, Op.Cit.,:141). این دانشمندان حمایت از حقوق مالکیت صنعتی را مورد توجه قرار داده و نتیجه این حمایت را در بر داشتن نتایج مثبت اقتصادی بیان می‌کنند و هدف آنها از تأکید بر حمایت خاص از حقوق مالکیت صنعتی بیشتر از هر چیز دیگری نتایج اقتصادی این حقوق است.

جان لاک علاوه بر این که نتیجه مثبت اقتصادی حمایت از این حقوق را بیان می‌کند؛ معتقد است که این حقوق جزء حقوق طبیعی مخترع می‌باشد و بنا بر لزوم احترام گذاشتن به حقوق طبیعی هر فرد، می‌بایست از این حقوق در برابر هرگونه نقضی حمایت کرد (Ibid.,: 157). علاوه بر جان لاک، امانوئل کانت^۸ و ادی^۹ نیز به حقوق مالکیت صنعتی به عنوان حقوق طبیعی تأکید دارند. بکر^{۱۰} نیز لزوم حمایت از حقوق مالکیت صنعتی را بر اساس و پایه‌های اخلاقی لازم می‌داند (Ibid.,:158).

دانشمندان و اقتصاددانانی که درباره حقوق مالکیت صنعتی به تحقیق پرداخته‌اند، در حمایت از علامت تجاری منافع اقتصادی را مورد توجه قرار داده‌اند. اولین نفع اقتصادی علامت تجاری این است که مصرف‌کننده را یاری می‌کند تا بدون نیاز به تحقیق بسیار

1 - Gilbert

2 - Shapiro

3 - Klemper

4 - Galini

5 - O Donaghue

6 - Scotchmer

7 - Thisse

8 - Immanuel Kant

9 - Oddi

10 - Becker

در مورد کالاهای مشابه، کالای مورد نیاز خود را با توجه به علامت تجاری تشخیص و انتخاب کند و یا طبق نظر براون^۱ علامت تجاری دارای ارزشی با عنوان جلب رضایت مشتری برای به دست آوردن و مصرف کالا است (Ibid.,:149). به نظر برخی دیگر از اندیشه‌مندان، علامت تجاری، نقش تمایزدهندگی دارد که رقابت منصفانه و عادلانه را تضمین می‌کند. اهمیت علائم تجاری برای مصرف‌کنندگان بیشتر از تولیدکنندگان است. چرا که مصرف‌کننده علاوه بر این که خرید خود را با استفاده از علامت تجاری بهتر انجام می‌دهد، در اغلب موارد به علامت‌هایی که دارای محصولی با کیفیت بالایی هستند وفادار باقی می‌مانند (نوروزی، ۱۳۸۱: ۲۱۰). در نظریه‌های دانشمندان کمتر به طرح صنعتی بر می‌خوریم، ولی می‌توان لزوم حمایت از آنها در قوانین را از جهت اقتصادی ضروری دانست. طرح صنعتی از این روی که سبب تشویق خلاقیت در بخش‌های صنعتی و تولیدی می‌شود به حق اختراع و از جهت ایجاد زیبایی و جذابیت در کالا و جلب توجه مصرف‌کننده به علامت تجاری شبیه است. بنابراین، می‌توان نظریه‌های ارائه شده در این دو مورد را نسبت به طرح صنعتی قابل اعمال بدانیم.

اسرار تجاری یکی دیگر از انواع حقوق مالکیت صنعتی است که بیشتر اندیشه‌مندان آنها را تأیید نمی‌کنند. اسرار تجاری، اطلاعات افشاء نشده‌ای هستند که دارنده آنها به کمک قوانین عام مالکیتی، آنها را مورد حمایت قرار می‌دهد، بدون این که به افشاء آنها بپردازد. این شیوه پرهزینه‌ای برای دارنده آن اطلاعات است. تنها چونگ^۲ در نظریه‌های خود بیان می‌کند که اسرار تجاری جزئی ضروری از یک نظام اقتصادی هستند و اساس آنها بر پایه آزادی و مالکیت خصوصی است و در نهایت سبب تشویق به اختراع جدید می‌شود (Ibid.,:151). تقریباً می‌توان گفت به جز چونگ همه دانشمندان اسرار تجاری را تأیید نمی‌کنند و معتقدند دارنده باید آنها را در قالب حقوق مالکیت صنعتی درآورد.

1 - Brown

2 - Cheung

۳) نظریه‌های منتقد

همان‌طور که بیان شد نظریه‌های مؤید، نظریاتی بودند که بیانگر نقش مثبت این حقوق در کلیه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند و لزوم حمایت از این حقوق را تأکید می‌کردند. در مقابل این نظریه‌ها، نظریه‌های منتقد قرار دارند که حقوق مالکیت صنعتی را نقد کرده و معتقدند که این حقوق نباید مورد حمایت خاص قرار گیرد، زیرا بیشتر از آنچه برای جامعه و بشر مفید باشد، برای آنها ضرر به همراه خواهد داشت. نظریه‌های منتقد فقط حقوق اخلاقی دارندگان این حقوق را مورد تأیید قرار می‌دهند و به آن پایبند می‌باشند.

جان پری بارلو^۱ از جمله دانشمندانی است که با حقوق مالکیت صنعتی مخالف است. وی در یکی از مقاله‌های خود به صراحت بیان کرده است: « هر آنچه شما در مورد حقوق مالکیت فکری می‌دانید اشتباه است» (Perry Barlow, 1994:1). در واقع، او معتقد است که موضوعات حقوق مالکیت صنعتی نمی‌توانند فقط تحت مالکیت یک فرد باشند، بلکه این موضوعات به مالکیت هر فردی که از آنها آگاهی پیدا کند در می‌آیند (Ibid.). برخی دیگر از اندیشمندان مانند پلنت^۲ معتقدند که اختراعات و ابداعات خودبه‌خود و اتفاقی حاصل می‌شوند؛ بنابراین لزومی به وجود قوانین حمایتی خاص در این زمینه نیست. از طرف دیگر، ارائه اختراع جدید، همانند ارائه کالای جدید به بازار، دارای جذابیت‌هایی برای مشتریان است و به دنبال خود مزایایی برای مخترع به همراه دارد که این مزیت‌ها انگیزه کافی برای خلق اختراع جدید است و وجود قوانین خاص در این زمینه لازم نیست (Ibid.:132). دانشمندان دیگری معتقدند که در نظر گرفتن یک نظام خاص برای حقوق مالکیت صنعتی سبب ایجاد انحصار در این زمینه می‌شود، در حالی که نیاز جامعه این است که به راحتی به منابع علمی دسترسی داشته باشد تا بتواند علوم و اختراعات جدیدتری را خلق کند؛ زیرا دانش و اختراعات قبلی در موارد بسیاری پایه و اساس دانش و اختراعات جدید است (Ibid.: 4).

1 - John Perry Barlow.

2 - Plant.

ویژگی منحصر به فرد بودن در خصوص هر مالی صدق پیدا کند آن را ارزشمند می‌کند؛ بنابراین عده‌ای از دانشمندان معتقدند که این خصوصیت نسبت به اطلاعات و دانش نیز صحیح است؛ ولی تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که منتشر نشده باشد. به عبارتی با اولین انتشار، ویژگی منحصر به فرد بودن از بین می‌رود و دیگر ارزشمند نیستند (Ibid.,: 10).

یکی از موضوعات حقوق مالکیت صنعتی عبارت از اسرار تجاری است که بیشترین مخالفان را دارد. برخی دانشمندان مانند کیتچ علی‌رغم این که با حقوق مالکیت صنعتی موافق است، لیکن اسرار تجاری را رد می‌کند و معتقد است که این حقوق به واسطه هزینه گزافی که برای حمایت و نگهداری احتیاج دارند، از نظر اقتصادی به صرفه نیستند. در مقابل، فریدمن^۱ و پوزنر حمایت از اسرار تجاری را زمانی که هزینه نگهداری آنها ارزانتر از طی کردن مراحل ثبت اختراع و ابداع باشد توصیه می‌کنند (Menel, Op.Cit.: 150). علاوه بر این معتقدند که اسرار تجاری کمتر سبب ایجاد انگیزه برای اختراع جدید می‌شود، زیرا در حق اختراع، مخترع به ازای افشای اختراع خویش نسبت به آن برای مدتی حق انحصاری به دست می‌آورد، در حالی که نگهدارنده اسرار تجاری با وسعت عملی که مخترع از اختراع خود استفاده می‌کند، نمی‌تواند از اطلاعات خویش استفاده کند (Ibid.,: 151). بدین ترتیب که وی از هر گونه استفاده از اختراع خویش می‌هراسد؛ چرا که بیم افشاء و مورد سرقت قرار گرفتن آن را دارد.

۴) تأثیر نظریه‌های حقوق مالکیت صنعتی بر محیط بین‌المللی

هر نظریه علاوه بر این که بر محیط داخلی یک کشور تأثیرگذار است، بر محیط بین‌المللی نیز دارای اثرات مثبت یا منفی است که این ویژگی در خصوص نظریه‌های ارائه شده در زمینه حقوق مالکیت صنعتی نیز صحیح می‌باشد. از آنجایی که کشورهای در حال توسعه بیشتر استفاده‌کننده حقوق مالکیت صنعتی هستند تمایلی به حمایت همه‌جانبه از این حقوق نشان نمی‌دهند (هر چند با تأسی از قوانین و مقررات بین‌المللی

1 - Freidman.

ناچار به قبول این روند می‌باشند و به دنبال تدوین و تکمیل قوانین خود در این زمینه برمی‌آیند). ولی در مقابل، کشورهای توسعه یافته دارای قوانین جامع و کاملی در این زمینه می‌باشند و خواهان حمایت هر چه بیشتر این حقوق از طرف کشورهای در حال توسعه نیز می‌باشند. حال به بررسی تأثیرات این نظریه‌ها بر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه می‌پردازیم.

۱-۴) تأثیر نظریه‌ها بر کشورهای پیشرفته

در مبحث قبلی نظریه‌های مختلف در خصوص حقوق مالکیت صنعتی بیان شد که به دلایل مختلف برخی مؤید و برخی دیگر منتقد این حقوق بودند. عملکرد کشورها در برخورد با این حقوق بر حسب منافع خود متفاوت است. با توجه به این که بیشتر مخترعان و مبدعان از کشورهای صنعتی می‌باشند؛ این کشورها دارای قوانین قویتری جهت حمایت از این حقوق هستند (Perry Barlow, Op.Cit.,:4). همچنین علیرغم این که کشورهای مزبور صنعتی و پیشرفته می‌باشند، برای دستیابی هر چه بیشتر به فناوری، قوانین خود را در این زمینه قوی‌تر و همه‌جانبه‌تر در نظر می‌گیرند (Chin and Grosman, 1988: 2). این کشورها سعی دارند تا کشورهایی را که به این حقوق تجاوز می‌کنند به حمایت از آنها مجبور کنند تا از این طریق از نقض حقی که توسط کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد جلوگیری کنند و میلیون‌ها دلار درآمدی را که از طریق نقض حقوق مالکیت صنعتی‌شان از بین می‌رود جبران کنند (Ibid.,:1). کشورهای توسعه یافته گاهی فقط کالای نهایی را به کشور در حال توسعه صادر می‌کنند که به‌عنوان روشی غیرمستقیم برای جلوگیری از تقلید و پیروی از فناوری است، ولی به موجب این شیوه مجبورند که هزینه‌های تجاری اضافه‌تری را متحمل شوند (Naghavi, 2005: 9). علاوه بر آن، این شیوه‌ای است که به واسطه مهندسی معکوس می‌توان به فناوری دسترسی پیدا کرد و در نتیجه همه تلاش‌های کشور توسعه یافته بی‌نتیجه خواهد ماند. گاهی کشورهای توسعه یافته برای به اجرا درآوردن و حمایت از حقوق مالکیت صنعتی خود ترجیح

می‌دهند به نوعی به کشورهای در حال توسعه رشوه دهند؛ مثلاً آمریکا در مقابل حمایت چین از حقوق مالکیت صنعتی، این کشور را از معافیت‌های مالیاتی نسبت به واردات کالاهای خود به آمریکا معاف می‌کند (Chin and Grosman, Op.Cit.,:13).

از دیگر اقدامات کشورهای توسعه‌یافته این است که هنگام انعقاد معاهده با کشورهای توسعه‌یافته، بر حقوق مالکیت صنعتی و لزوم حمایت همه‌جانبه از آن تکیه می‌کنند تا از این طریق حقوق مالکیت صنعتی آنها از امنیت بیشتری برخوردار شود (Ibid.,: 3).

از طرف دیگر، آنها برای انتقال فناوری خود به وجود حمایتی مؤثر و کارآمد از حقوق مالکیت صنعتی در کشور میزبان توجه می‌کنند و بر مبنای آن به انتقال فناوری اقدام میکنند (علیخان، ۱۳۸۴: ۱۲۳). کشورهای توسعه‌یافته بهترین شیوه برای جلوگیری از نقض حقوق مالکیت صنعتی خود را عدم اعطای مجوز بهره‌برداری به کشورهای ناقض این حقوق می‌دانند و از اعطای مجوز خودداری می‌کنند (Ibid.,:14). کشورهای توسعه‌یافته روابط تجاری خود را به گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که هر چه کشوری دارای قوانین قویتر و کاملتری در خصوص حقوق مالکیت صنعتی باشد، انتقال فناوری به آن کشور بیشتر صورت می‌گیرد (Naghavi, Op.Cit.,:3-4). ایالات متحده آمریکا از جمله کشورهای صنعتی است که بر حسب تجارت آزاد و حمایت از حقوق مالکیت صنعتی در کشورها به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متمایل می‌شود (Lee and Mansfield, 1996: 181). بنا بر تحقیقاتی که در سال ۱۹۹۱ در ایالات متحده آمریکا انجام شد، مشخص گردید که شرکت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر در کشورهایی که دارای سهم بیشتری از تجارت آزاد، میزان تولیدات کارخانه‌ای و معدنی و میزان تسهیلات ویژه‌برای تحقیق و توسعه هستند، متمایل به سرمایه‌گذاری می‌باشند (Ibid.,: 182-183). راه‌کار دیگری که کشورهای توسعه‌یافته سرلوحه خود قرار می‌دهند عبارت از در نظر گرفتن موافقتنامه‌ها و پیمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است. آنها علاوه‌براین که به انعقاد چنین قراردادهایی علاقه بسیار نشان می‌دهند؛ در متن این قراردادها هم حمایتی مؤثر و همه‌جانبه از حقوق مالکیت صنعتی را در نظر می‌گیرند و طی گزارش‌های خود مکرراً بر این نکته تأکید دارند که

نباید از حمایت‌های در نظر گرفته شده در موافقتنامه‌ها کاست، بلکه می‌بایست آنها را قوی‌تر و محکم‌تر نیز کرد (Matthews, 2002: 33). مثلاً آمریکا سرسختانه به دنبال بیشتر کردن حوزه‌های حمایتی است؛ از جمله درباره گونه‌های متنوع گیاهی و تجارت الکترونیک (Ibid.). کشورهای توسعه‌یافته در پی این تصمیمات خود به گونه‌ای عمل می‌کنند که این حقوق در برگیرنده منفعی برای همه کشورهاست و به این ترتیب می‌خواهند کشورهای در حال توسعه را به رعایت هر چه بیشتر این حقوق مجبور کنند (Chin and Grosman, Op.Cit.: 22). آنها در همه موارد به گونه‌ای عمل می‌کنند که کشورهای در حال توسعه باید برای حقوق مالکیت صنعتی به‌عنوان موضوعی از اصول اخلاقی و در جهت منافعشان احترام گذارند (Ibid.: 23).

۲-۴) تأثیر نظریه‌ها بر کشورهای در حال توسعه

۱-۲-۴) حقوق مالکیت صنعتی مخالف منافع کشورهای در حال توسعه

علیرغم این که حقوق مالکیت صنعتی دارای منفعی هم برای کشورهای توسعه‌یافته و هم برای کشورهای در حال توسعه است (Naghavi, Op.Cit.:1)، لیکن به صورت یک موضوع تمایز دهنده بین این کشورها درآمده است (نوروزی، پیشین، ۳۹). کشورهای در حال توسعه دارای نگرشی منفی نسبت به حقوق مالکیت صنعتی می‌باشند و به اجرای کامل و همه‌جانبه از این حقوق علاقه‌ای نشان نمی‌دهند؛ به‌طوری که این حقوق به موضوعی تنش برانگیز بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته تبدیل شده است (Chin and Grosman, Op.Cit.:1).

در سال ۱۹۹۰ دانشمندان پیامدهای منفی بسیاری را به تبع حمایت از حقوق مالکیت صنعتی برای کشورهای در حال توسعه بیان کردند (Naghavi, Op.Cit.: 3). این دیدگاه بیشتر به این دلیل است که کشورهای در حال توسعه بیشتر مصرف‌کننده ایده و دانش می‌باشند، درحالی که کشورهای توسعه یافته دانش و فناوری را در دست دارند و تولیدکننده آن هستند (Chin and Grosman, Op.Cit.: 1). کشورهای در حال

توسعه با در نظر گرفتن حقوق مالکیت صنعتی و حمایت از آن مجبورند که فناوری جدید مورد نیاز خود را از کشورهای توسعه یافته وارد کنند، ولی به خاطر موقعیت ضعیفشان از نظر فناوری در جهان و ترس از استثمار شدن به دست کشورهای توسعه یافته از حمایت حقوق مالکیت صنعتی آن کشورها خودداری می‌کنند (Ibid.). در واقع، با ایجاد روابط اقتصادی میان کشورها آنها ناگزیرند که به یکدیگر اعتماد کنند و چه بسا که از این طریق به یکدیگر وابسته شوند (زایدل هوهن فلدرن، ۱۳۸۴: ۴۸) که وابستگی متقابل را به همراه دارد که البته با توجه به موقعیت کشورهای میزان این وابستگی متفاوت است (همان: ۵۰). کشورهای در حال توسعه با پذیرش این حقوق مجبورند به مخترع خارجی حق اختراع اعطاء کنند و حقوق وی را به طور کامل اجرا کنند، درحالی که می‌توانند با هزینه کمتری خود به آن اختراع دسترسی پیدا کنند (Pugatch, 2004: 57). بنا بر تحقیقات گسترده چین و گراسمن (۱۹۹۰)، دیردرف (۱۹۹۲) و لیا (۲۰۰۲) تأثیرات زیانبار حمایت از حقوق مالکیت صنعتی برای کشورهای در حال توسعه در محیط تجاری بسیار است و حمایت از این حقوق توسط کشورهای در حال توسعه همیشه متضمن منفعت کشورهای توسعه یافته است (Naghavi, Op.Cit.: 4-5).

کشورهای در حال توسعه هرگز خواستار پرداخت حق الزحمه برای به دست آوردن اختراع و فناوری جدید نیستند و هنگام دریافت فناوری و دانش دارای حمایتی قوی نیستند؛ زیرا در این جایگاه، حمایت از این حقوق به صرفه و منطقی نیست (Naghavi, Op.Cit.: 21). بلکه آنها فقط زمانی حمایت را به تقلید ترجیح می‌دهند که سهم آنها از استفاده از آن کالا در سطح جهان بسیار بالا باشد (Chin and Grosman, Op.Cit.: 20). موافقتنامه تریپس نیز نتوانسته است اطمینان کشورهای در حال توسعه نسبت به حقوق مالکیت صنعتی را جلب کند و خود نیز به موضوع نگران‌کننده‌ای برای این کشورها تبدیل شده است (Matthews, Op.Cit.: 33). بنابر تعارض منافع تجاری کشورهای جهان، مهمترین اقدام بین‌المللی در جهت در نظر گرفتن ترجیحات و اولویت‌های کشورهای در حال توسعه در چارچوب آنکتاد انجام گرفته است. در اولین اجلاس آنکتاد (۱۹۶۴)

به دولت‌های توسعه‌یافته توصیه شد در روابط تجاری خود با دولت‌های در حال توسعه انتظار رعایت عمل متقابل را نداشته باشند. در اجلاس دوم در مورد ایجاد نظم عمومی به اولویت‌های کشورهای در حال توسعه اهمیت داده شد (زایدل هوهن فلدرن، پیشین: ۴۸-۴۷)، ولی این اقدامات در عرصه بین‌المللی برای متقاعد کردن کشورهای در حال توسعه به حمایت مؤثر از حقوق مالکیت صنعتی کافی نیست و آنان همچنان فاقد حمایت کافی برای حقوق مالکیت می‌باشند و در عمل این اقدام کشورهای در حال توسعه منجر به ورود ضرر به آنها نیز می‌شود.

۲-۲-۴) حقوق مالکیت صنعتی عامل رشد کشورهای در حال توسعه

علیرغم بیان مطالب قبلی، همواره باید به این نکته توجه کرد که حقوق مالکیت صنعتی در پیشرفت استراتژی‌های کشورهای در حال توسعه نیز بسیار مؤثر است (Ibid., 181). با پذیرش حقوق مالکیت صنعتی توسط این کشورها، انگیزه تحقیق و توسعه بیشتر شده، بیشتر به اختراع و فناوری جدید دسترسی پیدا می‌کنند و در نتیجه سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در این کشورها تشویق می‌شوند و برای سرمایه‌گذاری علاقه بیشتری می‌یابند. حقوق مالکیت صنعتی برای کشورهای در حال توسعه این امکان را فراهم می‌کند که بدون نیاز به طی کردن مراحل سنتی توسعه و لزوم پیمودن مسیر از اقتصاد کشاورزی به صنعتی، بتوانند به رشد و توسعه و صنعتی شدن دسترسی پیدا کنند. به این صورت کشورهای فقیر می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و دانش به توسعه برسند (حسینی و چهارم‌حالی بیعش، ۱۳۸۴: ۵۹). در واقع، برخلاف تصور کشورهای در حال توسعه حقوق مالکیت صنعتی تأمین‌کننده رفاه و سعادت جهانی است و برای کشورهای در حال توسعه نیز منافع بسیاری را در بر دارد (Chin and Grosman, Op.Cit.,: 14-18). حمایت از حقوق مالکیت صنعتی علاوه بر این که در محیط داخلی سبب ایجاد انگیزه به ابداع و اختراع می‌شود، در عرصه بین‌المللی نیز سبب جذب سرمایه‌گذار خارجی شده و آنها را به سرمایه‌گذاری

تشویق می‌کند (Naghavi, Op.Cit.,:5-6). در حالی که فقدان چنین قوانین حمایتی اثر معکوسی در رقابت فناوری به همراه دارد (علیخان، پیشین: ۱۲۳). میزان حمایت هر کشوری از حقوق مالکیت صنعتی در جذب سرمایه‌گذار خارجی بسیار مؤثر است (Lee and Mansfield, Op.Cit.,: 185)؛ به طوری که شرکت‌های سرمایه‌گذار بیشتر مایل به سرمایه‌گذاری در کشورهایی می‌باشند که دارای اقتصادی رو به رشد و نرخ‌های تولیداتی پایین (علیخان، پیشین: ۱۲۱) و همچنین دارای تسهیلات ویژه و بالایی برای تحقیق و توسعه باشند (Ibid.). بنابر تحقیقات هلپمن (۱۹۹۳)، لیا (۱۹۹۸) و ماسکوس (۲۰۰۰) حمایت از حقوق مالکیت صنعتی، از طریق انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه منجر به سود و منفعت می‌شود (4). (Naghavi, Op.Cit.,: 4). بنابراین، لازم است تا کشورهای در حال توسعه به هماهنگ نمودن قوانین خود با موافقتنامه‌ها و توافقنامه‌ها اهتمام ورزند تا از این طریق به تأمین هر چه بیشتر منافع خویش بپردازند. مثلاً با عضویت در توافقنامه مادرید، به ثبت علامت تجاری خود در بیش از ۱۰۷ کشور اقدام نموده‌اند و یا با عضویت در توافقنامه همکاری‌های حق اختراع با یک ثبت ملی، علاوه بر این که اختراع خویش را تحت حمایت کشورهای عضو قرار می‌دهد، از تخفیف ۰/۷۵ هزینه‌ها نیز معاف می‌شوند.

۵) نتیجه

بررسی‌های انجام شده همگی بیانگر این مطلب می‌باشند که حقوق مالکیت صنعتی دارای نتایج مثبت اقتصادی است و در نهایت سبب دستیابی به ثروت و صنعتی پیشرفته و شکوفا می‌شود؛ چرا که همه کشورهای پیشرفته با انجام تحقیقات لازم در این زمینه به خوبی به این حقیقت پی برده و این حقوق را زیربنای روابط تجاری و اقتصادی خود قرار داده‌اند و از این حقوق به صورتی کاملاً متعالی پیروی می‌کنند. پذیرش حمایت ویژه و خاص از حقوق مالکیت صنعتی در این کشورها سبب ایجاد انگیزه دوچندان در محققین و مخترعین شده و علاوه بر این که آنها به انجام تحقیقات بیشتر علاقه‌مند می‌شوند و اطمینان دارند که حقوق آنها ضایع نمی‌شود؛ سرمایه‌گذاران هم به

سرمایه‌گذاری در امر تحقیق تمایل بیشتری نشان می‌دهند و به سرمایه‌گذاری در تحقیق و ابداع می‌پردازند. از طرف دیگر، در کشورهای در حال توسعه از آنجایی که حیطه و گستره حقوق عمومی بیشتر از گستره حقوق خصوصی است ترجیح می‌دهند این حقوق از قلمرو محدودی برخوردار بوده و تحت قوانین حمایتی مختصری قرار گیرد. از سوی دیگر، آنها نمی‌توانند نسبت به اوضاع و احوال اقتصادی جهان بی‌توجه بوده و به شیوه مطلوب خود عمل نمایند و بدین ترتیب حسب اجبار جهانی روز به روز این حقوق را مورد توجه و اهمیت بیشتری قرار می‌دهند و تدوین قوانین کامل و جامع را در این ارتباط اولین قدم در این مسیر می‌دانند.

هرچند نظرات مختلفی نسبت به این حقوق وجود داشته و دارد و عملکرد کشورها در این زمینه بر حسب منافعشان متفاوت است، لیکن تصمیمات آنها به‌گونه‌ای در حال پیشروی است که به این حقوق اهمیت خاصی می‌دهند و حمایت خاص و همه‌جانبه از این حقوق را سرلوحه خود قرار داده‌اند. امروزه اهمیت دانش و فناوری به روشنی مشخص است و تقریباً همه کشورها در قوانین خود به گونه‌ای به این مطلب اشاره دارند، هرچند ممکن است قوانین آنها کافی نبوده و همچنان نقض حقوق مالکیت صنعتی رخ دهد، لیکن در نهایت داشتن قوانین ناقص به ضرر همین کشورها خواهد بود. امروزه جهان در جهت پیشروی به سوی پذیرش هر چه بیشتر حقوق مالکیت صنعتی به خاطر منافع اقتصادی آن و در حال حرکت برای رسیدن به این کمال می‌باشد. نتیجه آن که دیالکتیک بین نظریه‌های منتقد و مؤید در سطح ملی منجر به تعیین مرزهای بهینه و درستی بین حوزه عمومی و خصوصی مالکیت فکری خواهد شد. با توجه به دیالکتیک بین نظریه‌های مؤید و منتقد در صحنه بین‌المللی و رویارویی کشورهای مدافع مالکیت فکری حداکثری و کشورهای مخالف مالکیت فکری، می‌تواند راه را برای یک مصالحه معقول در سطح بین‌المللی اعم از تعاملات داخل سازمان جهانی تجارت و یا تعاملات عام‌تر بین‌المللی فراهم آورد. آنچه از این رهگذر می‌تواند نصیب ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه

و اسلامی گردد این است که مخالفت با و یا محدود کردن سیطره جهانی صاحبان مالکیت فکری مخصوصاً در حوزه نیازهای حیاتی اجتماعی مانند دارو نه تنها بر اساس استدلال‌های عملی ممکن است، بلکه با تمسک بر نظریه‌های منتقد که ریشه در خود کشورهای غربی دارند نیز ممکن است.

منابع

الف- فارسی:

- جعفری تبار، حسن (۸۵-۱۳۸۴) "فلسفه حقوق مالکیت فکری"، تقریرات کلاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال اول تحصیلی.
- حسینی، سید شمس‌الدین، و چهارم‌حالی بیغش، اکبر (۱۳۸۴) "اقتصاد دانش و شکاف توسعه در ایران"، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، سال اول، شماره اول، تابستان.
- زایدل هوهن فلدرن، آیگناتس (۱۳۸۴) حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه دکتر سید قاسم زمانی، تهران: نشر مؤسسه انتشارات و پژوهش‌های حقوقی نشر دانش، چاپ سوم.
- علیخان، شاهد (۱۳۸۴) مزایای اقتصادی-اجتماعی حقوق مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه، تهران: انتشارات فصل سبز، چاپ چهارم، بهار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸) قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر دادگستر، چاپ چهارم، پاییز.
- منصوری، رضا (۱۳۷۷) ایران ۱۴۲۷؛ عزم ملی برای توسعه علمی و فرهنگی، تهران: نشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- نوروزی، علیرضا (۱۳۸۱) حقوق مالکیت فکری؛ حق مؤلف و مالکیت صنعتی، تهران: نشر چاپار، چاپ اول.

ب- لاتین:

- Chin, Judith C. and Grosman, Gene M. (1988) "Intellectual Property Right and North- South Trade", NBER Working Paper, **Working Paper**, No. 2769, November.

Grady, Mark F. and Alexander, Jay I. (1992) "Patent Law and Rent Dissipation", **Virginia Law Review**, Vol. 78, No.1,

Jeong-Yeon Lee and Edwin Mansfield (1996) "Intellectual Property Rights and U.S. Foreign Direct Investment", **The Review of Economics and Statistics**, Vol. 78, No. 2, pp: 181-86.

Kitch, Edmund W. (1997) "The Nature and Function of the Patent System" *Journal of Law and Economics*, available at <http://www.journals.uchicago.edu/JLE/>.

Mattews, Duncan (2002) "Trade Relation aspect of Intellectual Property Rights,; Will The Uruguay Round Consensus Hold?", CSGR, **Working Paper**, No. 99/02, June.

Menell, Peter S. (1999) "Intellectual Property: General Theories", Professor of Law and Co-Director Berkeley Center for Law and Technology University of California at Berkeley.

Naghavi, Ali-Reza (2005) "Strategic IPR Policy and North-South Technology-Transfer", available at : <www.Feem.it/Pub/Publications/WPapers/default.htm>.

Perry Barlow, John (1994) "The Economy of Ideas", available at: <www.Wired.com/wired/archive/2.03/Economy.Ideas-Pr.Htm>.

Pugatch, Meir Perez (2004) **The International Political Economy of Intellectual Property Rights**, Edward Elgar Publishing, Inc.

Scherer, Frederic M, and Ross, David (2004) **Industrial Market Structure and Economic Performance** (3rd ed.), Boston: Houghton Mifflin.